

A New Step in the Structural Cognition of Surah Fath

Mohammad Teimoori^{*}, Mohammad Reza Aram^{**}

Seyed Mohammad Razavi^{***}

Abstract

In the interpretive approach of "Surah unity" and "Surah as a continuous unit", the Surahs of the Holy Qur'an have a coherent and regular structure, so for a better understanding of each Surah, attention should be paid to its overall spirit and structure. With this approach, it is possible to discover the coherent and harmonious connection between the verses of the Surah, and through the examination of the text and the verbal, literary and content connections of the Surah, its structure can be obtained, and by extracting the central theme of the Surah, it can interpret its components. In order to understand the inner image and geometry of the Surah with this holistic and structural approach, first of all, the verses should be divided into paragraphs. In this article, "Surah Fath" is first divided in a new way (regardless of the content of the verses and only based on verbal evidences), then the contextual paragraphs with thematic unity are grouped as a "chapter" and, finally, the central theme of the surah is extracted. All

* Ph.D. student in Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, teimoori@sru.ac.ir

** Associate Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author), aram.mohammadreza@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of Quranic Sciences and Hadith, Faculty of Literature and Humanities, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, dsmrazavi@yahoo.com

Date received: 2023/08/05, Date of acceptance: 2023/09/18



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

stages of segmenting, chaptering and extracting the main topic of the Surah are based on the principles of paragraph writing.

Keywords: Holy Qur'an; Conquest; Paragraphing; Surah Coherence; Structural Cognition, Geometry Structure; the Central Theme of the Surah; Verbal Evidences.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح

محمد تیموری*

محمد رضا آرام**، سید محمد رضوی***

چکیده

در رویکرد تفسیری «وحدت سوره» و «سوره به مثابه واحدی پیوسته»، سوره‌های قرآن کریم دارای ساختاری منسجم و منظم هستند لذا برای فهم بهتر هر سوره بایستی به روح کلی و ساختار آن توجه شود. با این رویکرد می‌توان ارتباط منسجم و هماهنگ میان آیات سوره را کشف و از طریق بررسی متن و ارتباطات لفظی، ادبی و محتوایی سوره، ساختار آن را به‌دست آورد و با استخراج موضوع محوری سوره به تفسیر اجزاء آن پرداخت. برای فهم تصویر و هندسه باطنی سوره با این رویکرد کل‌نگر و ساختارشناسانه، در وهله اول بایستی آیات، پاراگراف‌بندی (بخش‌بندی) شوند. در این نوشتار «سوره فتح» ابتدا به روشی نو (بدون توجه به محتوای آیات و صرفاً براساس شواهد لفظی) بخش‌بندی می‌شود، سپس پاراگراف‌های هم‌سیاق دارای وحدت موضوعی، به صورت یک «فصل» دسته‌بندی شده و در نهایت موضوع محوری سوره استخراج می‌گردد. کلیه مراحل بخش‌بندی، فصل‌بندی و استخراج موضوع محوری سوره، بر اساس اصول پاراگراف‌نویسی است.

* دانشجوی دکتری تخصصی علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، teimoori@sru.ac.ir

** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، aram.mohammadreza@yahoo.com

*** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، dsmrazavi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، فتح، پاراگراف‌بندی، انسجام سوره، ساختارشناسی، موضوع محوری سوره، شواهد لفظی.

۱. مقدمه

۱-۱ طرح مسئله

سوره‌های قرآن کریم دارای ساختاری منسجم و منظم هستند و هر یک از آنها، از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب هستند و با توجه به روح کلی حاکم بر هر سوره، اگر آیات این کتاب مقدس در این مجموعه واحد (سوره) و سوره نیز در یک مجموعه کاملی به نام قرآن بررسی گردد، به نکات و ظرافت‌ها و ابعاد تازه و معانی پنهان و آشکار فراوانی نسبت به بررسی خطی آنها دست می‌یابیم.

طرفداران این رویکرد گام‌های بلندی در راستای تحقق این دیدگاه مغفول برداشته و روشی جدید را که مکمل روشهای تفسیری خطی و آیه به آیه قبلی است تحت عنوان «روش تفسیر ساختاری قرآن کریم» ارائه نموده‌اند. در این روش، روابط غیرخطی یا متوازی آیات مورد توجه قرار می‌گیرد و آیات در مجموعه واحدی به نام سوره تفسیر می‌شوند.

در این روش ساختاری و «کل‌نگر» برای فهم تصویر و هندسه باطنی سوره، در وهله اول آیات فرازبندی و پاراگراف‌بندی شده، سپس پاراگراف‌های هم‌سیاق با وحدت موضوعی یا حکایتی، تحت عنوان «فصل»، دسته‌بندی می‌شوند. با استخراج موضوعات محوری فصول در نهایت موضوع محوری سوره استنباط و با توجه به آن به تفسیر اجزاء سوره پرداخته می‌شود. اولین گام اساسی در این روش برای فهم تصویر و هندسه باطنی سوره و رسیدن به هدف و موضوع محوری سوره، پاراگراف‌بندی (تقسیم سوره به اجزاء و بخش‌های موضوعی) است. بدین منظور در بدو امر برخی مفسران و پژوهشگران سوره را با توجه به شواهد معنایی سیاق‌بندی می‌نمایند و برخی بجای سیاق‌بندی از رکوعات کمک می‌گیرند. سپس هر دو گروه با توجه به محتوای آیات، سیاق یا رکوع را پاراگراف‌بندی نموده و در ادامه به تفسیر این واحدها می‌پردازند.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۵

وجه مطلوب این است که برای فرازبندی و پاراگراف‌بندی آیات، معیارهایی در دست باشد. اکثر مفسران و پژوهشگران برای تقسیم‌بندی آیات قرآن در سطوح مختلف (بخش، فصل یا قسم)، از شواهد معنایی استمداد می‌نمایند.

این پژوهش ضمن پایبندی به این رویکرد، در پی آن است که معلوم سازد:

۱. آیا برای پاراگراف‌بندی و سیاق‌بندی سوره، تنها معیارهای معنایی و محتوایی مؤثر است یا معیارهای دیگری وجود دارد؟

۲. اگر معیارهایی برای تقسیم‌بندی موضوعی آیات سوره وجود دارد، کدامند؟

۳. آیا برای سیاق‌بندی و استخراج موضوع محوری سوره نیز معیارهایی وجود دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

با طرح نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن در اوایل قرن بیستم، مفسران قرآن کریم با بهره‌مندی از این نظریه در صدد رفع شبهات مطرح شده در این زمینه برآمدند. نخستین کسی که بر نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن تأکید کرد، اشرف علی تهانوی (م ۱۹۴۳ م) مفسر مشهور هندی بود (آقایی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۱۸).

در دوران معاصر تفاسیر و کتب زیادی با این نگاه به سوره‌ها به تفسیر آیات و کشف غرض اصلی سوره‌ها پرداخته‌اند؛ شیخ محمد عبده، محمد حسین طباطبایی، سید قطب و امین احسن اصلاحی، سوره را با توجه به شواهد معنوی و بدون بیان معیاری خاص، به بخش‌هایی تحت عنوان فصل تقسیم نموده و غرض و هدف محوری سوره را بیان می‌دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش) (قطب، ۱۳۹۳ ش) (اصلاحی، ۱۹۹۹ م). سعید حوی در اساس فی التفسیر، سوره‌های طولانی را به چند قسم، هر قسم را به چند مقطع، هر مقطع را به چند مجموعه یا فقره، و هر فقره را به مجموعه‌ای از آیات تقسیم کرده است. ملاک این تقسیم‌بندی‌های حوی، نشانه‌ها و شواهد لفظی و صوری است (حوی، ۱۴۲۴ ق).

روش تفسیر ساختاری در خصوص تعداد زیادی از سوره‌ها به صورت مقالاتی نیز ارائه گردیده است؛ برخی با توجه به پیوستگی لفظی (ارتباط لفظی، اسلوبی و بلاغی) و محتوایی و با عنایت به سیاق آیات، سوره را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند (نساج، ۱۳۹۰ ش) و (آرام، محمدرضا؛ لایقی، فاطمه؛ ۱۳۹۵ ش). برخی به لحاظ آهنگ و آژگان پیاپی آیات، به دو بخش تقسیم می‌کند (دهقانی فارسانی، ۱۳۸۷ ش). برخی سوره را با توجه به نظم خاص جنبه نحوی

و ساختار جمله‌بندی سوره، و به قول مؤلف نوعی توازن، به دو بخش تقسیم می‌نمایند (ناظمیان، ۱۳۹۲ ش). برخی سوره را با توجه به هندسه معرفتی سوره، سیاق‌بندی می‌کنند (دیالمه، ۱۳۹۲ ش) و برخی بر مبنای رکوعات قرآنی (زارع زردینی، ۱۳۹۵ ش) و (زارع زردینی، صحرائی اردکانی و جنتی فیروزآبادی، ساختارشناسی سوره مبارکه فتح در پرتو بلاغت سامی با تأکید بر تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوعات) ۱۴۰۰ ش).

پژوهشگران غربی نیز بحث انسجام و ترکیب متون مقدس را مطرح می‌کنند. اخیراً، پژوهش‌هایی توسط مستنصر میر، محمد عبدالحلیم، نیل رایبسون، ماتیاس تسانیرز، نیل رایبسون و جدیدتر از همه، سلوی العوی عمدتاً با تمرکز بر نظم، انسجام و ساختار برخی سوره‌های بلند مدنی انجام یافته است (مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم پاییز ۱۳۹۴ ش، ص ۹).

تنها مقاله در دسترس در خصوص ضرورت و نفس پاراگراف‌بندی سوره‌ها، مقاله «بررسی ابعاد کارکردی، زیبایی شناختی و ادبی پاراگراف‌بندی متن قرآن کریم» است که در سال ۱۳۹۹ نگارش یافته و نویسندگان آن، احتمال پاراگراف‌بندی در قرآن کریم را مطرح می‌نمایند، لیکن معتقدند که تاکنون پاراگراف‌ها با نشانه‌های نگارشی امروزی مشخص نشده‌اند (توکلی، محسن؛ ستوده نیا، محمدرضا؛ احمدی دارانی، علی اکبر؛ ۱۳۹۹ ش، ص ۵۷).

نگارنده در پایان نامه کارشناسی ارشد خود (تیموری، محمد؛ درزی، قاسم؛ برهانی، مصطفی؛ ۱۳۹۸ ش) و همچنین در کتاب ساختار تصویری سوره‌های قرآن کریم (تیموری، ساختار تصویری سوره‌های قرآن کریم ۱۳۹۹ ش)، قواعدی برای پاراگراف‌بندی سوره‌ها با استفاده از متغیرهای تصویرپردازی در آیات قرآن کریم ارائه نموده که در این مقاله، با تغییر رویکرد و تحقیقات بیشتر، معیارهای پاراگراف‌بندی را توسعه داده است.

همچنین نگارنده در دو مقاله مستقل به بررسی ساختار سوره حجرات (تیموری، آرام، رضوی، نقش نشانه‌های لفظی در بخش بندی موضوعی سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سوره حجرات، ۱۴۰۲) و مائده (تیموری، آرام، رضوی، مطالعه شواهد لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره مائده، ۱۴۰۲) پرداخته است.

این پژوهش با استفاده از اصول پاراگراف‌نویسی و معیارهای لفظی، سوره فتح را پاراگراف‌بندی نموده و در ادامه سوره را با استفاده از همین اصول، فصل‌بندی و ساختار کلی سوره را استخراج و موضوع محوری آن را استنباط می‌نماید. در پایان، نتیجه این پژوهش با سیاق‌بندی برخی تفاسیر و پژوهش‌ها مقایسه خواهد شد.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۷

لازم به ذکر است که مقاله یا کتابی که بطور مستقل به دسته‌بندی نشانه‌های لفظی مؤثر در بخش‌بندی موضوعی سوره فتح پرداخته باشد، یافت نشد.

۳. تعاریف پایه

در روش تفسیر ساختاری قرآن کریم، یک سوره به عنوان یک کل واحد در نظر گرفته می‌شود. در این روش «کل‌نگر» هدف اصلی، کشف معانی اصلی و کلی آیات در چارچوب کلی سوره و کل قرآن کریم است. با استفاده از روش ساختارشناسی، کلیات امور، اجزای سوره و روابط متقابل این اجزا با دقت بیشتری مورد توجه قرار می‌گیرند. این نوع تفکر درصدد فهم کل سیستم و اجزای آن، روابط بین اجزاء و کل و روابط بین کل سوره با محیط آن یعنی کل قرآن کریم است. از طریق دقت در روابط پاراگراف‌ها و بخشهای مختلف یک اثر می‌توان به محتوای اصلی کل اثر پی برد، لذا برای فهم کل، باید اجزاء را شناسایی نموده و آنها را به کل اثر ارتباط دهیم و کل را به آن اجزاء، و از این طریق گفتمان بین جزء و کل و کل و جزء، می‌توانیم بخشی از معنای پنهان متن را دریابیم (صفوی ۱۳۹۹، مقدمه).

ساختارشناسی متن و همچنین نحوه و علائم دخیل در تفکیک متن به اجزاء، از بحث‌های مهم و اساسی در بررسی ساختار متن قرآن کریم است که در ابتدای بحث به تعریف آنها می‌پردازیم.

۳-۱ تعریف ساختارشناسی

رابر اسکولز ساختارشناسی (ساختارگرایی) را مطالعه دقیق یک اثر و کشف چهارچوب کلی‌ای که بر اثر حاکم است تعریف می‌کند. این رویکرد، واحدهای یک اثر را مشخص می‌کند، آنگاه ارتباط بین آن واحدها را کشف می‌نماید (مالمیر و اسدی جوزانی، ۱۳۹۰ش دوره ۱۵ شماره ۴۸).

برای فهم بهتر سوره‌های قرآن، روشهای تفسیری متعددی وجود دارد، از جمله روش ساختارشناسی، که ناظر بر نظریه «وحدت سوره» می‌باشد.

این روش تکمیل‌کننده روشهای تفسیر خطی است و در یک فرآیند شناخت مبتنی بر تحلیل و ترکیب، مفسر را در تجزیه و تحلیل اجزای سوره و روابط متقابل این اجزا

توانمند نموده و او را در دستیابی به درک کامل و جامع یک سوره در محیط کلی قرآن به عنوان امر واحد یاری می‌رساند.

از طریق روش ساختارشناسی علاوه بر کشف منطق کل سوره، به معنای واژه‌ها نیز اضافه شده، معانی فراتر از معنای لغوی نیز یافت می‌شود. همچنین مجدداً از طریق متن کل سوره و ارتباطات و پیوستگی‌های واژه‌ها و آیات و فرم آنها مفاهیم جدیدی و رای ظاهر سوره کشف شده، خواندن و تفسیر سوره بسط و پیشرفت فوق العاده می‌یابد. بعلاوه، نظم پنهان سوره، از طریق قرائت غیرخطی و کل نگر آشکار شده، پاسخ سؤال مستشرقین ناقد به ظاهر پراکنده قرآن کریم نیز بیان می‌شود (صفوی ۱۳۹۹، مقدمه).

۲-۳ علائم و نشانه‌ها در متون

از جمله بحث‌های مهمی که باید در ساختارشناسی مورد مذاقه قرار گیرد، عناصر تفکیک‌کننده موضوعات (پاراگراف‌ها) و نیز عناصر ارتباط دهنده جملات و بخش‌های مختلف یک متن است.

- برای تفکیک موضوعات (پاراگراف‌بندی) می‌توان از عناصر معنایی و محتوایی و یا از علائم و نشانه‌های لفظی یاری جست.
- برای بیان ارتباط میان اجزاء متن (همبستگی و تناسب) از عناصر صوری، فیزیکی و ... استفاده می‌شود و برای بیان انسجام متن از شواهد ذهنی و معنایی استمداد می‌گردد.
- اصول و مبنای پاراگراف‌بندی در تعیین فصول و موضوع محوری سوره نیز مفید می‌باشند.

با این وصف، بدیهی است انتظار می‌رود علائم به‌کار رفته در متون نوشتاری با علائم متون گفتاری - اعم از علائم تفکیکی یا ارتباطی اجزاء متن - تفاوت‌هایی داشته باشند.

۱-۲-۳ علائم و نشانه‌ها در متون نوشتاری

در متن نوشتاری، ویرگول، نقطه ویرگول و نقطه، علامت‌هایی هستند که برای نشانه‌گذاری جمله استفاده می‌شوند.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۹

پاراگراف نیز مانند جمله دارای نشانه است تا خواننده به لحاظ دیداری متوجه ختم یک پاراگراف و آغاز پاراگرافی جدید بشود (سلطانی ۱۳۹۶ ش).

۳-۲-۲ علائم و نشانه‌ها در متون گفتاری (شواهد و نشانه‌های لفظی)

در متن گفتاری، دیگر خبری از ویرگول، نقطه ویرگول، و نقطه برای نشانه گذاری جمله نیست و پاراگراف نیز دارای نشانه بصری نبوده و اثری از نشانه‌های متن نوشتاری، مانند تورفتگی، خط فاصل و غیره نیست، بلکه این نشانه‌گذارها با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی خاصی صورت می‌پذیرد.

منظور از علائم و نشانه‌ها در متون از نظر این پژوهش، علائمی است که توسط آنها می‌توان محدوده جملات و پاراگرافها و غیره را تعیین نمود که عبارتند از الفاظ یا نکات دستوری‌ای که شنونده با شنیدن یا دیدن آن متوجه شروع مطلبی جدید می‌شود.

۴. مبانی، روش و قواعد پیشنهادی مراحل اجرایی پژوهش حاضر

۴-۱ مبانی تحقیق

این پژوهش بر اصول پاراگراف‌بندی و همچنین نشانه‌های لفظی مؤثر در بخش‌بندی موضوعی سوره‌های قرآن کریم بنا نهاده شده و طبیعتاً اولین و اصلی‌ترین موضوعی که باید بدان پرداخته و تعریف کاملی از آن ارائه شود، نشانه‌های لفظی مؤثر در بخش‌بندی موضوعی سوره‌ها می‌باشد.

۴-۱-۱ نشانه‌های لفظی

منظور از نشانه‌های لفظی در قرآن کریم عبارت است از الفاظ یا نکات دستوری‌ای که شنونده یا تلاوت‌کننده قرآن کریم با شنیدن یا دیدن آن متوجه شروع مطلب، حکایت یا موضوعی جدید در آیه پیش‌رو می‌شود که می‌توان آنها را به دو دسته عام و خاص تقسیم کرد:

۴-۱-۱-۱ نشانه‌های لفظی عام

شواهد لفظی عام احصاء شده در این پژوهش عبارتند از:

۱. قَسَم در ابتدای آیه، آغازگر بخش (پاراگراف) جدید است (فرقی بین آیات ابتدایی سوره و آیات میانی سوره نمی‌باشد) و قسم‌های آیات متوالی در حکم یک قَسَم هستند و هرکدام آغازگر بخش جدید نیستند؛ (شمس: ۱ تا ۴). قسم‌های میانی (در اواسط آیات) و قسم در اثناء آیات حکایات، آغازگر بخش جدید نیستند.

۲. لفظ‌هایی که آغازگر حکایات هستند، فی الواقع آغازگر بخش و پاراگراف جدیدی با محتوای حکایت و داستان هستند؛ مانند *وَإِذْ يَوْمَ، وَأَتْلُ (اعراف: ۱۷۵)، وَادْكُرُوا (مریم: ۱۶)، وَادْكُرُوا* و غیره.

لازم به ذکر است: وجه غالب این الفاظ نشان از بیان حکایات دارد، لیکن استثناءاتی هم وجود دارد؛ مانند *وَادْكُرْ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا ... (اعراف: ۲۰۵)، وَادْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ... (بقره: ۲۰۳)*.

۳. عباراتی نیز در قرآن کریم وجود دارند که خود بیانگر حکایات و آغازگر بخش حکایت هستند؛ مانند *وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ ... (هود: ۲۵)*.

۴-۱-۱-۲ نشانه‌های لفظی خاص

شواهد لفظی خاص عبارتند از خطابات الله تعالی یا تکلم آن ذات اقدس.

الف) خطابات خداوند متعال: این نوع خطابات خود به دو دسته تقسیم می‌شوند: خطاب ندایی و خطاب غیر ندایی:

۱. **خطاب ندایی:** در هر جای قرآن کریم که خداوند متعال در ابتدای آیه، شخص، اشخاص یا قومی را ندا می‌دهد به معنای شروع بخش و پاراگراف موضوعی جدیدی است؛ مانند *یا ایها الرسول، یا ایها الذین آمنوا، یا ایها الناس، یا بنی آدم، یا اهل الكتاب، یا معشر الجن والانس، یا ایها النبی، یا نساء النبی، یا ایها المزمّل، یا ایها المدثر و ...* . به عنوان مثال: *یا ایها الرسولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (مائده: ۶۷)*

۲. **خطاب غیر ندایی:** خطابات خداوند نسبت به پیامبر اکرم (ص) و یا غیر ایشان، یا تکلم (وحده یا مع‌الغیر) خداوند است، یعنی گوینده سخن به عنوان خطابگر و متکلم،

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۱۱

خداست که بصورت خبری، امری یا استفهامی مطرح می‌شوند. به عنوان مثال: اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مائده: ۹۸)

ب. **تکلم (وحده یا مع‌الغیر) خداوند:** یعنی گوینده سخن به عنوان متکلم، الله تعالی است که بصورت خبری، امری یا استفهامی و غیره مطلبی بیان می‌شود. تکلم خداوند در واقع نوعی خطاب است که در آن خطابگر الله تعالی است و روی سخن با رسول اکرم ص و سایر انسانهاست لذا فرقی بین آیات شامل تکلمات «الله تعالی» (وحده یا مع‌الغیر) و خطاب مستقیم ایشان (ندایی یا غیرندایی) به دیگران نیست و فقط چنین خطابات (که در آنها خطابگر خداوند است) موجب تغییر پاراگراف می‌شوند^۲. به عنوان مثال: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (انسان: ۲).

۴-۲ اصول پاراگراف‌بندی

«سوره» را می‌توان با توجه به شواهد لفظی از جمله نوع خطاب آیات به دسته‌آیات (اجزائی) تقسیم کرد که هر کدام بیانگر موضوع خاصی هستند. محوری‌ترین این اجزاء، پاراگراف یا «بخش» است که دارای سه قسمت می‌باشد و این قسمت‌ها به ترتیب خطابی صدری، خطابی میانی و غیرخطابی بوده و هر قسمت محتوی یک آیه یا بیشتر است و هر قسمت را یک «بند» می‌نامیم. در بندهای اول و دوم بخش، مخاطب حضوری مشخصی وجود دارد و بند سوم فاقد مخاطب حضوری است. در آیات اول هر بخش، موضوعی مطرح می‌شود و در آیات بعد توضیحات و گاه موضوعات ریزتر در راستای آن موضوع ارائه می‌گردد.

این روش برخلاف روشهای دیگر، غالباً بدون توجه به محتوای آیات و صرفاً با استفاده از نشانه‌های لفظی به پاراگراف‌بندی (تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره) می‌پردازد؛ هر خطاب آغازگر بخش و موضوعی خاص است و تا هنگامی که مخاطب تغییر ننموده، بخش ادامه دارد و موضوع تغییر اساسی نخواهد نمود و آیات غیرخطابی بعدی نیز، تا وقتی که خطاب جدیدی صورت نگرفته، تکمیل‌کننده همان موضوع هستند و تغییر خطاب و مخاطب جدید، نویدبخش شروع بخشی جدید و موضوعی متفاوت است (بدیهی است که در پی این بخش‌بندی، برای تشخیص بهتر روابط بخشها و بررسی احتمال تداخل معنایی بخشهای متوالی، از توجه به شواهد معنایی نیز نباید غافل شد).

مخاطب	نوع جمله	نوع خطاب	نُذ	سوره ۴۸: الفتح جزء: ۲۶
۶	۵	۴	۳	۲
				بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رسول	تکلم خدا	صدری	مقدمه	إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (۱)
رسول	خبری	میانی	پشتیبان	لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُثِمَّ بِنِعْمَتِهِ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲)
رسول	خبری	میانی	پشتیبان	وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا (۳)
عام	خبری	غیابی	مؤخره	هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُظَاهِرُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۴)
عام	خبری	غیابی	مؤخره	لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَكَانَ ذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ قُورًا عَظِيمًا (۵)
عام	خبری	غیابی	مؤخره	وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّالِمِينَ بِاللَّهِ ظَنَ السُّوءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السُّوءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا (۶)
عام	خبری	غیابی	مؤخره	وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيمًا حَكِيمًا (۷)

۳-۴ ضوابط اجرایی

جهت استخراج و حتی استفاده از قواعد حاکم بر بخش بندی موضوعی سوره های قرآن کریم بایستی به ضوابط زیر پایبند بود^۳:

۱. سوره به «دسته آیات» مختلفی از جمله فصل (سیاق یا رکوع)، بخش، زیربخش، بند و ... قابل تقسیم است؛ و هریک از این قسمتها شامل یک یا چند آیه هستند.
۲. هر دسته از آیات متوالی خطابی صدری، خطابی میانی یا غیابی (غیر خطابی)، «بند» نامیده می شوند.
۳. هر بخش می تواند دارای یک یا چند زیربخش باشد، که محتوی موضوعات متنوع و کوچک تر در راستای تبیین موضوع بخش جاری است.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۱۳

۴. آیه‌ای که با آیه ماقبل خود دارای پیوستگی لفظی یا معنایی است و از ظاهر آن مشخص است که ادامه آیه قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیه قبل و جزء بخش جاری محسوب می‌شود. برای شناسایی این نوع پیوستگی در آیات هم‌جوار می‌توان از عوامل و نشانه‌های متعددی بهره برد. از جمله:

الف- عوامل و نشانه‌های پیوستگی لفظی: عواملی هستند که دو آیه را به هم متصل می‌کنند، مانند اسماء و حروف ربط، ساختارهای نحوی، تکرارهای اسلوبی و همچنین آیاتی که کلمات ابتدایی آنها ادامه کلمات انتهایی آیه قبل هستند (خامه گر، تفسیر ساختاری قرآن کریم ۱۴۰۱ش، ۱۱۲).

ب- عوامل و نشانه‌های پیوستگی معنایی: عواملی هستند که بیانگر پیوستگی محتوایی و ارتباط پی در پی مفاهیم آیات‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی عوامل پیوستگی معنایی دو دسته‌اند:

۱. عواملی که تنها در حد مرتبط کردن دو آیه هم‌جوار کاربرد دارند؛ این عوامل به‌طور معمول بیانگر ارتباط بخشی از آیات یک سیاق هستند.

۲. عواملی که ارکان یک ساختار معنایی را تشکیل داده و یک پاراگراف (بخش) را پدید می‌آورند (همان، ۱۱۳).

۵. تعیین پیام و موضوع محوری بخش (پاراگراف):

همان‌گونه که در تعریف اصول پاراگراف‌بندی بیان شد، «بند» ابتدایی هر بخش وظیفه طرح موضوع و «بند میانی» وظیفه بیان مثال، توضیح، تشریح یا تخصیص موضوع و «بند غیابی» وظیفه تکمیل نمودن توضیحات موضوع و نتیجه‌گیری را به عهده دارند؛ لذا معمولاً تشخیص موضوع محوری بخش با توجه به بند ابتدایی و انتهایی بخش میسر می‌باشد (تیموری، آرام و رضوی، مطالعه شواهد لفظی در بخش بندی موضوعی سوره مائده ۱۴۰۲).

۶. فصل:

واحد بزرگتر از پاراگراف را مقاله یا «فصل» می‌نامیم. منظور از مقاله نوشته نسبتاً کوتاهی است که تعداد پاراگراف‌های آن معمولاً از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کند. فصل یا مقاله از سه نوع پاراگراف ساخته می‌شود: پاراگراف مقدمه، پاراگراف‌های پشتیبان و پاراگراف نتیجه‌گیری. کارکرد پاراگراف مقدمه،

شروع فصل و جلب توجه مخاطب، ترغیب او به خواندن ادامه مقاله و بیان مدعای اصلی مقاله است. نقش پاراگراف‌های پشتیبان، پشتیبانی و بسط مدعای اصلی مقاله است. پاراگراف نتیجه‌گیری نیز وظیفه بازگویی مجدد مدعای اصلی مقاله و به آرامش رساندن ذهن مخاطب را به عهده دارد (سلطانی ۱۳۹۶ش، ص ۱۱). برای فصل‌بندی نیز از این اصول پاراگراف‌بندی استفاده می‌شود.

۷. قِسم:

در سوره‌های بلند، جهت سهولت و دقت بیشتر در تعیین موضوع محوری سوره، می‌توان تقسیم‌بندی دیگری را نیز تحت عنوان «قسم» سامان داد که هر دسته از آنها شامل چند فصل می‌باشند (فصل مقدمه، فصل‌های پشتیبان و فصل نتیجه‌گیری). موضوع محوری سوره با استفاده از موضوعات محوری این قسم‌ها استخراج می‌شود.

۸. رکوعات یا سوره‌واره‌ها:

منظور از رکوع، گروهی از آیات است که درباره یک موضوع آمده و اتحاد مضمونی دارند که با شروع آن موضوع، رکوع آغاز می‌گردد و با تغییر و تحول کلام به موضوعی دیگر، خاتمه می‌یابد (لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین؛ ۱۳۹۴ ش، ص ۸۸). به عنوان مثال آیات ۱ تا ۱۰ سوره فتح، یک رکوع را تشکیل می‌دهند که در خصوص «ایمان و اطاعت از الله و رسول (ص) شرط تحقق نصرت الهی» می‌باشد. از نظر نگارنده این پژوهش، رکوعات، معیار خوبی برای بررسی میزان صحت فصل‌بندی هر سوره می‌باشد.

۹. دفعات نزول:

بیشتر سوره‌های طویل قرآن کریم، یکبار نازل نشده‌اند بلکه نزول آنها در چند مرحله صورت گرفته که آنها را «دفعه نزول» می‌نامیم. به عنوان مثال سوره مائده در ۸ دفعه نازل شده است (گنجه ای ۱۴۰۱). هریک از آیات دفعات نزول در هر سوره به رکوعاتی تقسیم می‌شوند؛ البته گاهی یک آیه به تنهایی نازل شده است، مانند آیه ۶۷ سوره مائده، و گاهی یک رکوع شامل کل آیات یک دسته نزول است، مانند آیات ۱۲ تا ۱۹ سوره مائده. معمولاً آیات یک رکوع از دو دسته آیات نزول تشکیل نمی‌شوند. به نظر می‌رسد دفعات نزول، بهترین معیار برای صحت‌سنجی قسم‌بندی هر

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۱۵

سوره می‌باشد. با استخراج و جمع‌بندی پیام و موضوع محوری قسم‌ها که با استفاده از پیام فصول بدست آمده، موضوع محوری سوره بدست می‌آید و با توجه به آن، پاراگراف‌ها تفسیر می‌شوند.

۱۰. مقدمه و مؤخره سوره

همان‌گونه که در بخش‌بندی بیان شد، موضوع بخش در بند مقدمه مطرح می‌شود، در هر فصل نیز وظیفه طرح موضوع به عهده بخش مقدمه است، لذا می‌توان چنین استنباط نمود که مقدمه سوره همان «بخش اول» هر سوره است.

همین استدلال برای تشخیص مؤخره سوره قابل طرح است. مؤخره سوره، فصل انتهایی آن است و مؤخره و نتیجه‌گیری این فصل نیز بخش انتهایی آن است، لذا مؤخره سوره، «بخش آخر» آن است. حاصل آنکه «بخش» ابتدایی سوره، مقدمه آن و «بخش» انتهایی سوره، مؤخره سوره است.^۴

شاید بتوان از حدیث زیر نیز چنین برداشت کرد که کل بخش انتهایی، مؤخره سوره است.

در حدیث شریفی در کتاب کافی آمده است:

۰۰۰ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): مَنْ قَرَأَ أَرْبَعَ آيَاتٍ مِنْ أَوَّلِ الْبَقْرَةِ، وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ، وَآيَتَيْنِ بَعْدَهَا، وَثَلَاثَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِهَا، لَمْ يَرَفِ فِي نَفْسِهِ وَ مَالِهِ شَيْئًا يَكْرَهُهُ، وَ لَا يَقْرُبُهُ شَيْطَانٌ، وَ لَا يَنْسَى الْقُرْآنَ» (الكليني و غفاري، ۱۳۶۳ش، صفحه ۲۱۶ج ۲).

در شرح این حدیث محمد صالح مازندرانی بیان می‌دارد:

قوله: (من قرأ أربع آيات من أول البقرة وآية الكرسي وآيتين بعدها) الظاهر أن آية الكرسي من قوله (اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ... إِلَى وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ) والآيتين بعدها من قوله (لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ إِلَى هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) وثلاث آيات من آخرها أي آخر البقرة، روى مسلم أربع روايات عن النبي (صلى الله عليه وآله) أنه قال «من قرأ الآيتين من آخر سورة البقرة في ليلة واحدة كفتاه» قوله: كفتاه قيل: معناه أجزأتا عنه من قيام الليل أو كفتاه ومنعته من أن يكون ممن ترك القراءة أو كفتاه أذى الشيطان، وقيل: كفتاه أي منعته شر الجن والإنس ويبعد أن يكون من الكفاية أي كفتاه ملازمة التلاوة وقيل: كفتاه عن الآفات وقيل: كفتاه عن الجميع.

قال ابن حجر: المراد بالآيتين قوله تعالى (آمن الرسول) إلى آخر السورة. فأخر الآية الأولى «المصير» ومن ثمة إلى آخر السورة آية واحدة وأما «ما اكتسبت» فليس رأس آية باتفاق القراء. انتهى.

أقول: والمراد بثلاث آيات كما في روايتنا هذه «آمن الرسول ... إلى آخر السورة» يجعل «ما اكتسبت» آخر الآية الثانية واتفاق القراء على خلافه لا يقدح لأن ذلك من طرق العامة أو المراد بها قوله (الله ما في السماوات) إلى آخر السورة (صالح المازندراني ۱۴۲۱ هـ ج ۱۱ ص ۵۹).

یکی از کارهای مرسوم در سوره‌شناسی تلخیص سوره‌ها است که مستند به آموزه نبوی است و حدیث فوق‌الذکر، نمونه‌ای از این نوع احادیث است (لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین؛ ۱۳۹۴ ش، ص ۱۴۶).

با توجه به این حدیث شریف و فارغ از محدوده آیات مورد نظر، اگر به کل سوره نظر شود، می‌توان گفت حضرت رسول اکرم (ص) سوره بقره را به صورت مقدمه، متن، و مؤخره معرفی فرموده‌اند. البته این ساختاربندی از متن حدیث بر نمی‌آید، لیکن شاید بتوان با توجه به اصول پاراگراف‌بندی چنین برداشتی داشت. با این فرض، مقدمه، شامل بخش اول سوره، متن میانی (خلاصه سوره)، شامل آیه الکرسی و دو آیه بعد آن است و مؤخره، شامل بخش آخر سوره بقره است. در صورت پذیرش چنین فرضی، می‌توان با استفاده از محتوای این سه قسمت از سوره و با توجه به آیات مهم میانی سوره (آیات خاص)، موضوع محوری سوره را استخراج نمود. البته قول منتخب مرحوم صالحی مازندرانی به سمت بند انتهایی، به عنوان مؤخره سوره سوق می‌دهد؛ زیرا از آمن الرسول به بعد، بند غیابی بخش آخر محسوب می‌شود.

۱۱. استخراج موضوع محوری سوره

برای استخراج موضوع محوری سوره، می‌توان از اصول پاراگراف‌نویسی استفاده کرد. در این حالت، لازم است علاوه بر فصل مقدمه و فصل مؤخره سوره، به آیات میانی و مباحث کلی مطرح شده در متن سوره نیز توجه داشت. البته در سوره‌های طولانی که سوره به قسم‌هایی تقسیم می‌شود، می‌توان از قسم مقدمه و قسم مؤخره کمک گرفت؛ اگر چه بر اساس استدلال بند ۱۰ فوق (تعیین مقدمه و مؤخره سوره) باز هم به بخش یا

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۱۷

بند مقدمه و مؤخره خواهیم رسید. استفاده از دفعات نزول برای استخراج موضوع محوری سوره نیز از همین منطق تبعیت می‌کند.

توجه: آیات میانی تأثیرگذار هر سوره در تعیین موضوع محوری سوره، موضوع مهمی است که باید مد نظر قرار گیرند. به نظر می‌رسد، آیات خاص (غور آیات)، شامل مطالب اصلی و احکام کلی و سنت‌های بیان شده، عنوان و موضوع محوری حکایات در هر سوره، می‌تواند کمک مناسبی در این زمینه باشد.

۱۲. استثناءات:

- آیاتی که فقط از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند، در تقسیم‌بندی لحاظ نمی‌شوند و جزئی از بخش اول سوره محسوب می‌شوند^۵ (دخان: ۱).
- در آیات اول سوره‌هایی که از حروف مقطعه به علاوه فرازی دیگر تشکیل شده‌اند، نوع آیه بدون در نظر گرفتن حروف مقطعه، تعیین می‌شود (قلم: ۱).

۴-۴ قواعد پیشنهادی

با در نظر داشتن موارد فوق، و این نکته که وجه تمایز این پژوهش با سایر تفاسیر و پژوهش‌ها در تقسیم‌بندی روشمند سوره به پاراگراف و «بخش» می‌باشد (و نه سیاق و یا فصل)، قواعد پیشنهادی بخش‌بندی، عبارتند از^۶:

قاعده ۱: هر دسته‌آیاتی که با آیه‌ای خطابی (حضوری) آغاز و تا آیه خطابی غیرمتوالی بعدی ادامه می‌یابد، «بخش» (پاراگراف) نامیده می‌شود.

قاعده ۲: هر «بخش» (پاراگراف) حداکثر دارای سه قسمت است که به ترتیب عبارتند از: خطابی صدری، خطابی میانی و غیابی (غیر خطابی)، و هر قسمت را «بند» می‌نامیم.

قاعده ۳: هر «بند» شامل یک یا چند آیه خطابی صدری، خطابی میانی یا غیابی است.

قاعده ۴: آیات شامل تکلمات «الله تعالی» (وحده یا مع‌الغیر) و خطاب مستقیم ایشان (ندایی یا غیرندایی) به دیگران، آیات خطابی نامیده می‌شوند و فقط چنین خطاباتی (که در آنها خطاب‌گر خداوند است) موجب تغییر پاراگراف می‌شوند.

قاعده ۵: مخاطب آیه اول بخش، رسول اکرم (ص) یا دیگران هستند و در آیات خطابی متوالی با مخاطب یکسان، آیه دوم آغازگر بخش جدید نیست و تکمیل‌کننده «بند» اول بخش محسوب می‌شود.

قاعده ۶: تغییر مخاطب از رسول اکرم ص به غیر ایشان و بالعکس، موجب تغییر موضوع و آغاز بخشی جدید می‌شود.

قاعده ۷: آیات ندایی همیشه آغازگر بخش هستند؛ مگر آیات ندایی متوالی با مخاطب یکسان، که در این صورت، آیه دوم آغازگر بخش جدید نیست و تکمیل کننده «بند» اول بخش محسوب می‌شود.

قاعده ۸: آیه خطابی صدری بعد از آیه ندایی، حتی با مخاطب یکسان، موجب تغییر موضوع و بخش می‌شود؛ مگر اینکه در حکم آیه قبل باشد (تیموری، آرام و رضوی، نقش نشانه های لفظی در بخش بندی موضوعی سوره های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سوره حجرات ۱۴۰۲).

قاعده ۹: تغییر ترتیب بندها (تغییر رتبه) موجب آغاز بخشی جدید خواهد شد.

قاعده ۱۰: در دو آیه همجوار، اگر به وضوح مشخص باشد که آیه دوم (با توجه به ظاهر یا معنای آن) ادامه آیه قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیه قبل و جزء بخش جاری محسوب می‌شود.

قاعده ۱۱: پاراگرافی که با آیه خطابی میانی آغاز شود، زیربخش نامیده می‌شود.

قاعده ۱۲: آیات مشتمل بر داستان (حکایت) بخش مستقلی را تشکیل می‌دهند و مخاطب آنها رسول اکرم (ص) بوده و علامت مشخصه آنها الفاظی چون «وآذ»، «وآتل»، «أذکر»، «وآذکروا» و غیره در ابتدای آیه می‌باشد.

قاعده ۱۳: خطابات درون حکایات، آغازگر بخش و پاراگراف جدید نمی‌باشند.

قاعده ۱۴: آیات مشتمل بر دعا (گفتگوی غیرخدا با خداوند متعال)، مثل، جمله معترضه، موضوع کلی و گفتگوی غیرخدا با غیرخدا را می‌توان به عنوان بخش فرعی یا ادامه بخش جاری در نظر گرفت، و حتی در صورت تفکیک به عنوان بخش فرعی، می‌توان آنها را با بخش اصلی، بطور یکجا جمع بندی موضوعی نمود.

قاعده ۱۵: هر فصل شامل چند بخش قریب المضمون می‌باشد و برای فصل بندی از اصول پاراگراف بندی (بخش مقدمه، بخش پشتیبان و بخش نتیجه گیری) استفاده می‌شود.

قاعده ۱۶: هر قسم شامل چند فصل قریب المضمون می‌باشد و برای قسم بندی از اصول پاراگراف بندی (بخش مقدمه، بخش پشتیبان و بخش نتیجه گیری) استفاده می‌شود.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۱۹

قاعده ۱۷: موضوع محوری فصول با استفاده از موضوعات محوری بخش‌ها - و موضوع محوری قسم‌ها (در صورت وجود) با استفاده از موضوعات محوری فصول - بدست می‌آید.

قاعده ۱۸: موضوع محوری سوره با استفاده از موضوعات محوری فصول (یا قسم‌ها در صورت وجود) و نیز اصول پاراگراف‌بندی (بخش مقدمه، بخش پشتیبان و بخش نتیجه‌گیری) استخراج می‌شود.

قاعده ۱۹: آیات انتهایی «بند» غیابی را که با مؤکدات یا اسماء جلاله (و صفات الله تعالی) شروع شده باشند - همچنین آیات خطابی بعد از «بند» غیابی را که ادامه بخش محسوب می‌شوند - می‌توان به عنوان بخش فرعی یا ادامه بخش جاری در نظر گرفت، و حتی در صورت تفکیک به عنوان بخش فرعی، می‌توان آنها را با بخش اصلی، بطور یکجا جمع‌بندی موضوعی نمود.

قاعده ۲۰: آیات انتهایی «بند» غیابی اگر شامل پرسش و پاسخ غیابی خداوند باشند را می‌توان به عنوان بخش فرعی یا ادامه بخش جاری در نظر گرفت، و حتی در صورت تفکیک به عنوان بخش فرعی، می‌توان آنها را با بخش اصلی، بطور یکجا جمع‌بندی موضوعی نمود (تیموری، آرام و رضوی، مطالعه شواهد لفظی در بخش بندی موضوعی سوره مائده ۱۴۰۲).

۴-۵ مراحل اجرایی استخراج محور موضوعی سوره فتح

در یک نگاه، برای تعیین موضوع محوری سوره، مراحل اجرایی به شرح زیر است:

۱. تعیین نوع خطاب (صدری، میانی) یا غیابی بودن تک تک آیات.
۲. تعیین مخاطب آیات (رسول اکرم (ص)، مؤمنین یا دیگران).
۳. استخراج پیام (موضوع محوری) هر آیه.
۴. تعیین بندها با رعایت قواعد پیشنهادی.
۵. تعیین بخش‌ها با رعایت قواعد پیشنهادی.
۶. بررسی مجدد آیات و تشخیص جملات خاص (مثل، معترضه، کلی یا ادامه (قاعده ۱۴)).
۷. استخراج موضوعات اصلی هر بخش.
۸. استخراج پیام (موضوع محوری) هر بخش.

۲۰ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

۹. فصل‌بندی سوره با استفاده از اصول پاراگراف‌بندی.

۱۰. استخراج موضوعات اصلی هر فصل.

۱۱. استخراج پیام (موضوع محوری) هر فصل.

۱۲. استخراج موضوع محوری سوره.

در ضمن:

الف- در اجرای مراحل فوق بر توجه به این نکات تاکید می‌شود:

۱. حتماً خداوند متعال گوینده آیه باشد؛ بعنوان خطاب‌گر یا متکلم (وحده یا مع الغیر).

۲. محدوده بخش‌ها با رکوعات (به عنوان یک شاخص) سنجیده شود تا «بخش»ی در دو رکوع قرار نگرفته باشد.

۳. از نظر محتوایی بازنگری شوند تا مغایرتهای احتمالی شناسایی شوند.

ب- به جهت سهولت کار و کاستن از احتمال خطا در بخش‌بندی، بهتر است از جدول استفاده شود. مثلاً کل آیات سوره را در فایل اکسل وارد نموده با استفاده از رنگها ضوابط اجرایی را پیاده کرد. البته پژوهشگر با بخش‌بندی چند سوره، تبحر لازم را کسب نموده و دیگر نیازی به چنین امور وقتگیری نخواهد بود؛ هر چند دقت کار یا این جدول بالا می‌رود و توصیه می‌شود پژوهشگر و مفسر از آن غافل نگردد.

با توجه به ضوابط اجرایی فوق‌الشاره، قبل از بخش‌بندی لازم است «بند»های هر بخش مشخص شوند که در صورت استفاده از جدول و رنگها، خود به خود این امر انجام می‌پذیرد و نوبت به پاراگراف‌بندی با استفاده از این بندها می‌رسد.

مراحل اجرایی این روش به صورت مشروح ذیلا ارائه می‌گردد و شمای کلی روند اجرایی در جدول ۱ ارائه گردیده است.

۴-۵-۱ پیام و موضوعات آیات سوره فتح

به جهت اختصار پیام هر یک از آیات سوره فتح در ستون ۸ جدول ۱ ارائه شده است.

۴-۵-۲ تعیین محدوده پاراگرافها (بخش‌های) سوره فتح

در نگاه اول انتظار می‌رود پاراگراف‌بندی چنین باشد:

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۲۱

بخش ۱ آیه ۱، بخش ۲ آیات ۲ تا ۷، بخش ۳ آیه ۸، بخش ۴ آیه ۹، بخش ۵ آیه ۱۰ و ۱۱، بخش ۶ آیات ۱۲ تا ۱۴، بخش ۷ آیه ۱۵، بخش ۸ آیات ۱۶ و ۱۷، بخش ۹ آیات ۱۸ و ۱۹، بخش ۱۰ آیات ۲۰ تا ۲۳، بخش ۱۱ آیات ۲۴ تا ۲۶، بخش ۱۲ آیات ۲۷ و ۲۸ و بخش ۱۳ آیات ۲۹.

لیکن با کمی دقت در قواعد پیشنهادی ملاحظه می‌شود که در این تفکیک، تغییراتی ضروری است:

بخش ۱ و ۲: آیه ۱ تکلم خداوند متعال است و آغازگر بخش و آیه دوم به دلیل وجود لام تعلیل در ابتدای آیه به استناد قاعده ۱۴ بخش می‌باشد و آیات ۴ تا ۷ بند غیابی را تشکیل می‌دهند و می‌توان با توجه به قاعده ۱۹ آنها را بخش فرعی در نظر گرفت، در غیر این صورت آیات یک تا ۷ کل بخش و پاراگراف اول را تشکیل می‌دهند.

بخش ۳ و ۴: آیه ۸ باز هم تکلم الله تعالی است و آغازگر بخش دوم. آیه سوم به خطاب میانی به مؤمنین تبدیل می‌شود طبیعی است انتظار می‌رود به بخش جدید تبدیل شود لیکن به دلیل وجود لام تعلیل به استناد قاعده ۱۰ ادامه آیه قبل محسوب می‌شود. آیه ۱۰ تاکید است و به نظر می‌رسد تاکید بر دو آیه قبل باشد و به استناد قاعده ۱۴ یک بخش فرعی است. آیه ۱۱ نیز با وجودیکه همانند آیه ۱۰ خطاب میانی به رسول اکرم (ص) است و ادامه آیه نیست و انتظار می‌رود بخش جدیدی را آغاز کند.

بخش ۵: آیه ۱۱ خطاب میانی به رسول اکرم ص است و آغازگر بخش جدید محسوب شود و در آیه ۱۲ چون مخاطب از رسول اکرم (ص) به غیر ایشان تبدیل می‌شود بایستی طبق قاعده ۲ آغازگر بخش جدیدی باشد لیکن به دلیل وجود «بل» در ابتدای آیه، طبق قاعده ۱۰ ادامه آیه قبل است و بخش جدیدی را آغاز نمی‌کند. آیات ۱۳ و ۱۴ نیز بند غیابی را تشکیل می‌دهند.

بخش ۶: آیه ۱۵ خطاب میانی به مؤمنین است و آغازگر بخش جدید لیکن آیه ۱۶ به دلیل خطاب صدری بودن به رسول اکرم بخش جدید را آغاز می‌کند.

بخش ۷: آیه ۱۶ خطاب صدری به رسول اکرم (ص) است و بخش جدید را آغاز می‌کند و آیه ۱۷ پایان بخش این پاراگراف است.

بخش ۸: آیه ۱۸ آغازگر بخش جدید و آیه غیابی ۱۹ پایان بخش آن است.

بخش ۹: آیه ۲۰ خطاب به مؤمنین است و آیات ۲۱ و ۲۲ ادامه همین آیه هستند. آیه ۲۳ خطاب میانی به رسول (ص) است لیکن طبق قاعده ۱۰ ادامه بخش محسوب می‌شود و به استناد قاعده ۱۴ بخشی فرعی خواهد بود.

بخش ۱۰: آیات ۲۴ تا ۲۶ طبق قاعده ۱ بخش بعدی را تشکیل می‌دهند.

بخش ۱۱: آیات ۲۷ و ۲۸ نیز طبق قاعده ۱ بخش جدیدی محسوب می‌شوند. آیه ۲۸ را نیز می‌توان به عنوان بخش تاکیدی فرعی در نظر گرفت، لیکن چون بخش کلا از دو آیه تشکیل شده، لزومی ندارد.

بخش ۱۲: آیه پایانی ۲۹ نیز بخش پایانی را تشکیل می‌دهد.

برای بررسی کلی پاراگراف‌بندی در این مرحله لازم است اقدامات زیر صورت پذیرد:

الف- محدوده بخش‌ها با رکوعات سنجیده شود تا بخشی در دو رکوع قرار نگرفته باشد، که ضمن مقایسه با رکوعات ملاحظه می‌شود که هیچ بخشی در دو رکوع واقع نشده، در نتیجه در فصل‌بندی نیز دچار مشکل نخواهیم شد.

ب- بخش‌ها از نظر محتوایی بازنگری شوند تا مغایرت‌های احتمالی شناسایی شوند. این بررسی ضمن تعیین موضوعات اصلی هر پاراگراف، در بخش بعد انجام می‌شود.

۴-۵-۳ موضوعات اصلی هر یک از بخش‌های سوره فتح

از جمع‌بندی پیام و موضوعات آیات، موضوعات اصلی هر یک از بخش‌ها (و زیربخش‌ها)ی سوره به دست می‌آید که به جهت اختصار در ستون ۹ جدول ۱ ارائه شده است.

۴-۵-۴ موضوعات محوری بخش‌های سوره فتح

با توجه به موضوعات اصلی مطرح شده در هر بخش، و با توجه به اصول پاراگراف‌بندی (مذکور در بند ۲-۲)، موضوعات محوری بخش‌ها تعیین می‌شود که به جهت اختصار در ستون ۱۰ جدول ۱ ارائه شده است.

۴-۵-۵ تعیین محدوده فصول سوره فتح

در بخش اول فصل ۱ مقدمه فصل «وعده و توفیق الهی و تسبیح ایشان» عنوان شده و در بخش ۲ و ۳ به عنوان بخش پشتیبان بر «اقتدار الهی در نزول آرامش بر قلوب مؤمنان و تعذیب

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۲۳

منافقین و مشرکین و همچنین بر رسالت پیامبر و امر به تعزیر و توقیر و تسبیح ایشان» تاکید نموده و در بخش چهارم (بخش نتیجه‌گیری) که شامل تنها یک آیه است، خداوند متعال «اطاعت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را نماد اطاعت از الله تعالی» بیان می‌دارند. از مجموع این چهار بخش چنین نتیجه می‌شود که «در صورتی که اطاعت از الله و رسول (ص) حاصل شود، نصرت الهی که در ابتدای این فصل خداوند متعال بدان اشاره فرموده‌اند، محقق می‌گردد».

در فصل دوم نیز خداوند متعال به «تزیین نفاق «متخلفین از امر الهی» در قلب آنان و اراده الهی بر تعذیب یا مغفرتشان» اشاره فرموده، سپس متذکر «تغییر ناپذیری سنت و حکم الهی» شده و بخش پایانی بیانگر «لزوم اطاعت الهی و در عین حال عدم تکلیف خارج از استطاعت انسان‌ها» است.

فصل سوم نیز همانند فصل اول که به رسول اکرم ص و وعده نصرت الهی را می‌داد، به مؤمنین «وعده فتح و آرامش معنوی و غنیمت‌های مادی» را داده و در بخش بعد بر «سنت غیرقابل تغییر الهی در تحقق وعده‌های خداوند متعال» تاکید نموده و در بخش نتیجه‌گیری همانند فصل اول که «ایمان و اطاعت از الله و رسولش را شرط تحقق نصرت الهی» بیان فرمود، در بخش پایانی این فصل نیز «ایمان و تقوا را عامل سکینه قلبی، و حمیت جاهلی را عامل شکست و عذاب کفار» عنوان نموده است.

فصل چهارم منطبق بر رکوع آخر و شامل آیات ۲۷ تا ۲۹ است. این فصل در واقع از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول بیانگر «تصدیق الهی بر تحقق رویای صادقانه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و وعده استیلای دین حق» است و در بخش دوم «ویژگی‌های ظاهری و رفتاری پیامبر ص و مؤمنان و تحقق وعده الهی» ذکر و «وعده مغفرت و اجر عظیم بر مؤمنین و وعده عذاب بر کفار» داده شده است.

۴-۵-۶ موضوعات اصلی هر یک از فصول سوره فتح

فصل ۱ (بخشهای ۱ تا ۴): وعده فتح و نصر الهی و اقتدار الهی در نزول آرامش بر قلوب مؤمنان و تعذیب منافقین و مشرکین و تاکید بر رسالت پیامبر و امر به یاری و احترام و تسبیح ایشان و اطاعت از پیامبر نماد اطاعت از الله تعالی است

فصل ۲ (بخشهای ۵ تا ۷): تزیین نفاق «متخلفین از امر الهی» در قلب آنان و اراده الهی بر تعذیب یا مغفرتشان و تغییر ناپذیری سنت و حکم الهی و لزوم اطاعت الهی و در عین حال عدم تکلیف خارج از استطاعت انسانها

فصل ۳ (بخشهای ۸ تا ۱۰): وعده فتح و آرامش معنوی و غنیمتهای مادی بر مؤمنان و سنت غیرقابل تغییر الهی در تحقق وعده های الهی و ایمان و تقوا عامل سکینه قلبی و حمیت جاهلی عامل شکست و عذاب کفار

فصل ۴ (بخشهای ۱۱ و ۱۲): تحقق رؤیای صادقه حضرت رسول ص و وعده استیلای دین حق و ویژگیهای ظاهری و رفتاری پیامبر ص و مؤمنان و تحقق وعده الهی بر ایشان

۴-۵-۷ موضوعات محوری فصول سورۀ فتح

فصل ۱: اگر این فصل را به سه قسمت «بخش طرح موضوع»، «بخش پشتیبان» و «بخش نتیجه گیری» تقسیم کنیم، بخش اول جهت طرح موضوع و بخش دوم و سوم به عنوان پشتیبان و بخش چهارم به عنوان بخش نتیجه گیری محسوب می شود و از موضوع محوری چهار بخش، به ویژه از مقدمه و نتیجه گیری، موضوع محوری فصل اول استخراج می گردد که عبارت است از: «ایمان و اطاعت از الله و رسول (ص) شرط تحقق نصرت الهی»

فصل ۲: اگر پاراگراف های این فصل را به سه قسمت «بخش طرح موضوع»، «بخش پشتیبان» و «بخش نتیجه گیری» تقسیم کنیم، بخش اول جهت طرح موضوع و بخش دوم به عنوان پشتیبان و بخش سوم به عنوان بخش نتیجه گیری محسوب می شود و از موضوع محوری ۳ بخش، بویژه از مقدمه و نتیجه گیری، موضوع محوری فصل دوم استخراج می گردد که عبارت است از: «سنت محتوم الهی در تعذیب یا مغفرت متخلفین و مطیعین»

فصل ۳: فصل سوم نیز مانند فصل دوم از سه پاراگراف تشکیل شده است، «بخش طرح موضوع»، «بخش پشتیبان» و «بخش نتیجه گیری». از موضوع محوری ۳ بخش، بویژه از مقدمه و نتیجه گیری، موضوع محوری فصل سوم استخراج می گردد که عبارت است از: «سنت محتوم الهی در تحقق وعده های الهی و نزول سکینه بر پیامبر (ص) و مؤمنین»

فصل ۴: فقط از دو بخش تشکیل شده و فاقد پاراگراف پشتیبان است لذا با استفاده از موضوع محوری این دو بخش، موضوع محوری فصل چهارم استخراج می گردد که عبارت است از: «ایمان و عمل صالح شرط تحقق وعده الهی».

۴-۵-۸ موضوع محوری سوره فتح

از چهار فصل این سوره، فصل اول به عنوان فصل مقدمه، بیانگر «ایمان و اطاعت از الله و رسول (ص) شرط تحقق نصرت الهی» است و فصل آخر به عنوان فصل نتیجه‌گیری، بیانگر «ایمان و عمل صالح شرط تحقق وعده الهی» است، لذا از جمع‌بندی موضوع محوری این دو فصل، موضوع محوری سوره استخراج می‌گردد: «ایمان و اطاعت از الله و رسول (ص) و عمل صالح شرط تحقق وعده و نصرت الهی است».

جدول ۱. مراحل اجرایی روش پژوهش در خصوص استخراج موضوع محوری سوره فتح

۵. بررسی و بحث و مقایسه خروجی پژوهش حاضر با برخی آثار

مفسران و پژوهشگران، در تفاسیر و پژوهش‌های مورد بحث، از شواهد معنوی و تغییرات موضوعی برای تقسیم‌بندی آیات استفاده می‌کنند و عده معدودی از آنان از شواهد لفظی بهره می‌برند و برخی در تقسیم‌بندی سوره‌ها از معیارهای معنوی و لفظی هر دو بهره جسته است و برخی نیز در حد بالایی از رکوعات کمک گرفته و تمام یا قسمتی از آن را به عنوان فصل (سیاق) در نظر گرفته و موضوع محوری سوره را با توجه به موضوعات محوری این فصل‌ها استخراج می‌کنند و هریک از نامگذاری خاصی برای عناوین و هر یک از بخشهای متن قرآن کریم استفاده می‌کنند که در ابتدا یادآور می‌شویم:

۱. بخش (پاراگراف) در این پژوهش معادل است با: جزء در تفسیر اصلاحی، جزء در تفسیر قطب و بخش در پژوهش العوی.

۲. فصل در این پژوهش و تفسیر اصلاحی، معادل سیاق در تفاسیر المیزان و فی ظلال القرآن است و معادل پاره‌گفت در تالیفات العوی و مقطع در الالاس فی التفسیر است.

جدول ۲. شیوه‌های تقسیم سوره‌ها به بخشهای مختلف توسط مفسران و قرآن‌پژوهان

نام مفسر یا پژوهشگر	نام اثر	نام تقسیمات کلی سوره	شواهد مورد استفاده برای تقسیم بندی	نام تقسیمات جزئی تر سوره	شواهد مورد استفاده برای تقسیم بندی	معتقد به وجود محور موضوعی هر سوره تحت عنوان فرض می‌باشد	پیوندها و ارتباط معنایی را
علامه محمد حسین طباطبایی	المیزان فی تفسیر القرآن	سیاق	معنوی	-	فاقد اجزاء	تحت عنوان فرض می‌باشد	تبین می‌نماید
مرحوم سید قطب	فی ظلال القرآن	شوط	معنوی	در مواردی یک مرحله ای است و در مواردی بیش از	معنوی	تحت عنوان «اقل» یا «محور» می‌باشد	تبین می‌نماید
مرحوم سعید سوری	الاساس فی التفسیر	قسم، منقطع و رکوعات و	معنوی	فقره، مجموعه	لفظی: «یا ایها» و «اقل» و در نبود آنها از علائم معنوی	می‌باشد	تبین می‌نماید
امین احسن اصلاحی	تفسیر تدبر قرآن	بخش	معنوی	فصل: جزئی تر از آن بخش	معنوی (تغییر عدده موضوعی)	می‌باشد	تبین می‌نماید
محمد خامه کر	مجموعه کامل ساختار سوره های قرآن کریم	کفتار	معنوی	مطلب (وظیفه و ...)	معنوی	می‌باشد	تبین نمی‌نماید
نیل رابینسون	مقاله داستان بازآفرینی دوباره از سوره مائده	بخش	دلایل لفظی و معنوی مانند تکرار و ...	توجهی ندارد	فاقد اجزاء	مطلبی بیان ننموده	تبین می‌نماید
محمد سلوی العوی	کتاب روابط متن در قرآن: مناسبت، انسجام و ساختار و نقش شواهد لفظی در بخش	پاره گفت	لفظی و معنوی: «یا ایها»	زیربخش	لفظی و معنوی: یا، و، فاء، لقد، و اذنا	هر سوره تنها یک محور موضوعی ندارد	تبین می‌نماید
پژوهش حاضر	فصل (مقاله)	معنوی	بخش (پاراگراف)	لفظی	می‌باشد	تبین می‌نماید	تبین می‌نماید

۵-۱ نتایج برخی تفاسیر و پژوهش‌ها

برای بحث در نتایج حاصله و مقایسه آن با سایر پژوهش‌ها و تفاسیر، لازم است بطور مختصر روش و نتایج آنان مورد بررسی قرار گیرد.

در جدول شماره ۲ کلیاتی از روشها و تعاریف مفسران و پژوهشگران ذکر شده و ذیلاً

توضیح مختصری ارائه می‌گردد:

۵-۱-۱ مرحوم طباطبایی در تفسیر المیزان

مرحوم طباطبایی در سیاق‌بندی سوره فتح، بهره‌چندانی از رکوعات نبرده است. در خصوص غرض سوره نیز چنین می‌نویسد:

مضامین آیات این سوره با فصول مختلفی که دارد انطباقش بر قصه صلح حدیبیه که در سال ششم از هجرت اتفاق افتاد روشن است، و همچنین با سایر وقایعی که پیرامون این قصه اتفاق افتاد، مانند داستان تخلف اعراب از شرکت در این جنگ و نیز جلوگیری مشرکین از ورود مسلمانان به مکه، و نیز بیعتی که بعضی از مسلمانان در زیر درختی انجام دادند که تاریخ، تفصیل آنها را آورده است. پس غرض سوره بیان منتهی است که خدای تعالی به رسول خدا نهاده، و در این سفر فتحی آشکار نصیب فرموده. و نیز متی که بر مؤمنین همراه وی نهاده و مدح شایانی است که از آنان کرده، و وعده جمیلی است که به همه کسانی از ایشان داده که ایمان آورده و عمل صالح کرده‌اند (طباطبایی ۱۳۷۴ ش، ج ۱۱ ص).

۵-۱-۲ سید قطب و تفسیر فی ظلال القرآن

سید قطب در تفسیر فی ظلال القرآن ابتدا سوره را به بخش‌های کلی تحت عناوین مختلفی از جمله سیاق تقسیم می‌کند و سپس با تقسیم این بخش‌ها به دو آیه یا بیشتر تحت عنوان جزء به تفسیر آنها می‌پردازد.

قطب، سوره رعد را به ۴ سیاق تقسیم نموده است. تقسیمات وی در نیمه اول سوره تقریباً منطبق بر رکوعات سوره می‌باشد (فصل (سیاق) ۱ معادل دو رکوع اول) ولی در نیمه دوم سوره از رکوعات تبعیت ننموده و آیه ۱۸ را یک سیاق و آیات ۱۹ تا ۲۱ را یک سیاق و آیات ۲۲ تا آخر سوره را یک سیاق در نظر گرفته است.

۵-۱-۳ امین احسن اصلاحی و تفسیر تدبر قرآن

اصلاحی نیز مانند سید قطب پس از بخش‌بندی کل سوره، هر بخش را به اجزائی تقسیم نموده و به تفسیر هر جزء می‌پردازد. وی نیز در تفسیر تدبر قرآن، تقسیمات خود تحت عنوان فصل، از رکوعات وام گرفته است. وی هریک از رکوعات اول، دوم و سوم را به دو فصل (سیاق) تقسیم نموده و رکوع سوم را به سه فصل، با آیه‌های کم تقسیم تموده است که در جدول ۱

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۲۹

قابل ملاحظه است. اصلاحی از مفسرانی است که در فصل‌بندی خود از رکوعات بهره فراوان برده، مثلاً در سوره مائده حتی در یک آیه با ابتدا یا انتهای رکوعات، اختلافی ندارد. وی هریک از فصل‌ها با به اجزائی تقسیم می‌کند.

امین احسن اصلاحی از جمله مفسرانی است که خلاف ادعای عدم ساختارمندی سوره‌های قرآن را ثابت کرده است، و این تلاش او واکنشی در برابر انتقادهای غربیها درباره قرآن و رویکرد آیه به آیه مفسران سنتی بدان است.

۵-۱-۴ خامه‌گر و مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم

خامه‌گر در گفتاربندی سوره‌ها از رکوعات بهره برده است. لیکن در سوره فتح رکوع اول را به دو گفتار (سیاق) تقسیم نموده و در تعیین سایر سیاق‌ها توجهی به رکوعات نداشته است. گفتار اول شامل ۲ رکوع اول، گفتار دوم شامل ۹ رکوع بعدی، گفتار سوم شامل ۳ رکوع بعدی و گفتار چهارم شامل ۲ رکوع آخر است. بالتبع بدلیل انطباق گفتاربندی او با رکوعات، آیات ابتدا و انتهای گفتاربندی خامه‌گر در وسط بخش‌بندی این پژوهش قرار نمی‌گیرند.

ایشان موضوع محوری سوره فتح را در کتاب ساختار سوره‌های قرآن کریم، «صلح حدیبیه آزمونی برای مؤمنان» و در کتاب تفسیر ساختاری قرآن کریم، «حکمت و دستاوردهای صلح حدیبیه، نشانه ضرورت پیروی کامل مسلمانان از پیامبر (ص)» بیان کرده است (خامه‌گر، تفسیر ساختاری قرآن کریم ۱۴۰۱ش. ص ۱۳۷).

تذکر: اصلاحی و خامه‌گر و طباطبایی هر سه رکوع ۱ را شبیه هم به دو سیاق تقسیم کرده‌اند.

۵-۱-۵ سعید حوی در الاساس فی التفسیر

سعید حوی در تقسیم‌بندی سوره‌ها از معیارهای معنوی و لفظی هر دو بهره جسته است؛ البته متذکر شده است که در مواردی که نشانه‌های لفظی در اختیار نیست، از علائم معنوی سود جسته است. تقسیم‌بندی وی دو مرحله‌ای است و علاوه بر تقسیم‌بندی کلی، به مرحله تقسیمات خردتر تحت عنوان قسم، مقطع، فقره و مجموعه نیز وارد می‌شود. مثلاً در تقسیم‌بندی سوره احزاب، آیات سوره را به ده مقطع تقسیم کرده و ملاکش عبارت «یاایها» در آغاز هر مقطع بوده است و مقطع دوم سوره «ص» به سه مجموعه بر مبنای تکرار لفظ «قل» در

ابتدای آیات تقسیم کرده است. وی نیز دسته‌بندی خاصی برای نشانگرهای لفظی و معنوی ارائه نمی‌دهد (حوی، ۱۴۲۴ ق).

۵-۱-۶ رابینسون و مقاله "دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده"

رابینسون در سال ۲۰۰۱ مقاله‌ای تحت عنوان "دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده" منتشر کرد و در آن انسجام ساختاری سوره مائده را که سوره‌ای مدنی است بررسی و تایید نمود.

رابینسون ذیل عنوان مبنای تقسیم بخش‌ها می‌نویسد:

در دنیای مدرن افراد تحصیل کرده عادت دارند اسنادی را مورد بررسی قرار دهند که با ریزموضوع‌ها و پاراگراف‌های کوچک طراحی شده باشند. از این رو وقتی آنها قرآن می‌خوانند به‌طور طبیعی تمایل دارند سوره‌های قرآن را بر اساس تغییر در موضوع به بخش‌های خردتر تقسیم کنند. در تجربه شخصی من، این همان وضعیتی است که حتی در مسلمانانی که بسیاری از سوره‌های قرآن را از بر می‌خوانند نیز صدق می‌کند. آنها همانند هر فرد دیگری، قسمتی از فرهنگی هستند که مدت مدیدی به واسطه عرف نگارشی کلام، مغلوب مانده‌اند. اگر با این نیت نظر کنیم، سوره مائده بسیار مسأله‌ساز می‌شود، زیرا به‌نظر می‌رسد در این سوره اجزای بی‌ربط در کنار هم چیده شده‌اند (همو، ص ۱۵۹).

سپس در خصوص بخش‌بندی عنوان می‌دارد، بیشتر دلایل لفظی که بخش‌بندی (فصل‌بندی این پژوهش) بر آنها مبتنی است با عنصر تکرار درگیر است. نشانه‌های لفظی مورد نظر این پژوهش با نشانه‌های لفظی مورد نظر رابینسون متفاوت می‌باشد. نشانه‌های لفظی مورد نظر رابینسون اولاً در مورد فصل‌بندی است، ثانیاً با توجه به محتوای آیات متغیر است، ثالثاً مقدار زیادی به برداشت پژوهشگر وابسته است، رابعاً مبتنی بر تکرار است.

۵-۱-۷ سلوی العوی

او که اول بار نظریه پیوند را در مطالعه روابط متنی سوره‌های قرآن به کار گرفته است، ابتدا سوره را به قطعاتی تحت عنوان «پاره‌گفت» تقسیم می‌کند. مبنای این تقسیم‌بندی، تغییر اساسی در موضوع هر قطعه نسبت به دیگری است. این تغییرات را غالباً نشانگرهای کلامی و تغییر ضمایر همراهی می‌کنند.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۳۱

از نظر وی «نشانگر تغییر عمده موضوع»، ترکیبات دستوری هستند که به منزله نشانگرهای بند، آغاز هر قطعه را نشان می‌دهند. وی در سوره احزاب، اسلوب «یا ایها» را نشانگر تغییر عمده موضوع می‌داند و به این ترتیب این سوره را همانند حوی در ال‌اساس فی التفسیر، به ده قطعه تقسیم می‌کند. پس از تعیین این قطعات متنی، او به مطالعه زیربخش‌های هر قطعه، که آنها هم از طریق نشانگرهای جزئی‌تر شناسایی می‌شوند، می‌پردازد و رابطه این زیربخش‌ها با یکدیگر و پیام‌های کلی سوره را استخراج می‌کند.

معیار تقسیم پاره‌گفت به زیربخش نیز از نظر وی عام است و نشانگرها و شاخص‌های مطرح شده در مواردی تداخل دارند. به عنوان مثال، «و اذ» در آیات ۷ و ۱۲ و ۳۷ آغازگر زیربخش است در حالی که از نظر او در آیه ۱۰ آغازگر بخش جدیدی نیست (العوی، سلوی محمد؛ ترجمه جلیلی، سید اکبر، ۱۳۹۵ ش).

۵-۲ بحث در روش این پژوهش

در این پژوهش بخش‌بندی سوره کاملاً روشمند و بر اساس نشانه‌های لفظی صورت گرفته و در موارد استثنایی از محوای آیات نیز استمداد شده است. نشانه‌های لفظی مورد نظر پژوهش حاضر، عمدتاً بدون در نظر گرفتن محتوای و به نکات دستوری و تغییر مخاطب بستگی دارد و دارای قواعد و روشمند است.

جزء‌بندی اصلاحی خیلی نزدیک به پاراگراف‌بندی (بخش‌بندی) این پژوهش است. تفاوت پژوهش حاضر با روش اصلاحی این است که پژوهش حاضر روشمند است در حالیکه روش وی بر برداشتهای مفسر متکی است.

فصل‌بندی سوره نیز بر مبنای کلی روش این پژوهش (اصول پاراگراف‌نویسی) است. یعنی با توجه به این نظریه که هر فصل از سه قسمت عمده (بخش مقدمه، بخش میانی و پشتیبان و بخش نتیجه‌گیری) تشکیل می‌شود، براحتی می‌توان محدود و ساختار فصول هر سوره را تعیین نمود. البته قسمت پشتیبان می‌تواند محدود به یک بخش نباشد، بلکه ممکن است از دو بخش یا بیشتر و همچنین زیربخش یا بخشهای فرعی نیز تشکیل شود. در این پژوهش، فصل‌بندی دقیقاً منطبق بر رکوعات می‌باشد و این تطابق بدون توجه به رکوعات و صرفاً بر اساس مبنای فوق حاصل شده است.

این نظریه می‌تواند مبنای تعیین قسمتهای ساختاری یک سوره نیز باشد. یعنی هر سوره از سه قسمت عمده (فصل مقدمه، فصل پشتیبان و فصل نتیجه‌گیری) تشکیل می‌شود، لذا براحتی می‌توان محدوده مقدمه و مؤخره هر سوره را تعیین نمود. البته در اینجا نیز قسمت پشتیبان به عنوان «بدنه سوره» می‌تواند محدود به یک فصل نباشد، بلکه ممکن است از دو فصل یا بیشتر نیز تشکیل شود. لذا از همین نظریه می‌توان به سهولت، موضوع محوری سوره را استخراج نمود. فصل اول به عنوان فصل مقدمه، بیانگر «ایمان و اطاعت از الله و رسول ص شرط تحقق نصرت الهی» است و فصل آخر به عنوان فصل نتیجه‌گیری، بیانگر «ایمان و عمل صالح شرط تحقق وعده الهی» است، لذا از جمع‌بندی موضوع محوری این دو فصل و با توجه به آیات کلیدی (غیر آیات)، موضوع محوری سوره استخراج می‌گردد.

۶. نتیجه‌گیری

تقسیم‌بندی در این پژوهش، جز در مواردی خاص، به حروف و کلمات و حتی موضوعات خاص وابسته نیست، بلکه قاعده‌عام و فراگیری است که بدون توجه به موضوع مطروحه در آیه، به پاراگراف‌بندی (بخش‌بندی) سوره می‌پردازد و جایگاه آیه را در بخش، تعیین می‌کند و توسط آن مشخص می‌گردد که این آیه، آغازگر بخش جدیدی است یا ادامه بخش جاری؟ موضوعات و بخش‌های هر سوره، صرفاً با استفاده از برخی نشانه‌های لفظی از جمله نوع خطاب و مخاطب، به بخش‌هایی با موضوعات متفاوت تقسیم می‌شوند و با تعیین این اجزاء و بخش‌ها، می‌توان ساختار سوره را بدست آورد.

با مطالعه سوره‌های متعدد، قواعدی استخراج و روش پیشنهادی این پژوهش در خصوص سوره فتح اجراء و موضوعات سوره تفکیک شد.

هریک از فصل‌ها، قسم‌ها و حتی خود سوره نیز از سه قسمت عمده (مقدمه، پشتیبان و نتیجه‌گیری) تشکیل می‌شوند، لذا براحتی می‌توان محدوده مقدمه، متن و مؤخره هر یک از آنها را تعیین نمود.

از همین نظریه می‌توان به سهولت، موضوع محوری سوره را استخراج نمود. فصل اول به‌عنوان فصل مقدمه، بیانگر «ایمان و اطاعت از الله و رسول ص شرط تحقق نصرت الهی» است و فصل آخر به عنوان فصل نتیجه‌گیری، بیانگر «ایمان و عمل صالح شرط تحقق وعده الهی» است، در نهایت موضوع محوری سوره با توجه به موضوع محوری این دو فصل

عبارت است از: «ایمان و اطاعت از الله و رسول ص و عمل صالح شرط تحقق وعده و نصرت الهی است».

در مقایسه با سایر تلاشهای صورت گرفته برای تقسیم‌بندی سوره به اجزاء ساختاری، این پژوهش دارای مزایایی به شرح زیر است:

۱. تقسیم‌بندی روش‌مند آیات به بخش‌ها.
۲. بخش‌بندی سوره با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی.
۳. دخالت کمتر مفسر در تعیین اجزاء؛ تقسیم‌بندی آیات به بخش‌ها، در ابتدا بدون توجه به معنا و محتوای آیات خواهد بود و یک مرحله از تعیین موضوع محوری سوره با دخالت کمتر مفسر، یا لاقلاً با دقت بیشتری صورت خواهد پذیرفت.
۴. تسهیل و تدقیق سیاق‌بندی؛ اجزاء هر فصل و سیاق، از تعدادی آیه، به تعدادی بخش تغییر خواهد نمود و طبیعتاً آیات متعلق به یک بخش، کلاً در سیاق مربوطه قرار خواهند گرفت و احتمال قرارگیری آیات یک بخش در دو سیاق از بین خواهد رفت و این امر موجب تعیین دقیقتر ابتدا و انتهای سیاق‌ها خواهد بود. در واقع، بجای چند آیه یک فصل، با موضوع محوری تعداد محدودی بخش سروکار خواهیم داشت.
۵. اکثر مفسران و قرآن‌پژوهان برای تعیین سیاق سوره‌ها از کل به جزء می‌رسند؛ یعنی ابتدا با مطالعه دقیق و تدبر و انس با آیات، محدوده سیاق‌ها را تعیین و سپس با تقسیم هر سیاق به بخشهایی، با توجه به موضوع محوری سیاق، آن بخشها را تفسیر می‌کنند. در حالی که در این روش ابتدا از جمع چند آیه، یک واحد معنایی (بخش) تعیین می‌شود و از مجموع دو یا چند بخش که دارای موضوعات قریب‌المضمون هستند، سیاق تشکیل می‌شود.
۶. عمومیت قواعد پیشنهادی؛ قواعد پیشنهادی در این روش دارای عمومیت است و تقریباً بسیاری از سوره‌های قرآن را در بر می‌گیرد.
۷. ایجاد زمینه برای سیاق‌بندی روش‌مند؛ همانند بخش‌بندی روش‌مند این پژوهش، با انجام پژوهش‌های بیشتر.
۸. استخراج دقیقتر موضوع محوری سوره؛ با توجه به دقیقتر شدن محدوده سیاق‌ها؛ به‌منظور دستیابی به پیام سوره، می‌توان با استفاده از اصول پاراگراف‌بندی برای فصل‌بندی و تعیین ساختار سوره و استخراج محوری سوره اقدام نمود.

۹. بهره‌برداری از قابلیت‌های رایانه در تحلیل و بررسی دقیق‌تر روش و همچنین سایر تحلیل‌ها برای کشف ارتباط آیات، مقایسه سوره‌ها، کشف اشتراک معنایی چند سوره و غیره؛ برای اینکار، لازم است ابتدا آیات کدگذاری و سپس با یک برنامه ساده رایانه‌ای، بندها و بخش‌های سوره تعیین گردد (تیموری، آرام و رضوی، نقش نشانه‌های لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سوره حجرات ۱۴۰۲).

تذکر: طبیعتاً انجام این موارد صرفاً با استفاده مستقیم از خروجی تحلیل رایانه‌ای مطلوب نبوده و لازم است با تدبیر و بررسی محتوای آیات صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. البته از نظر ارزش و جایگاه معنوی آیات، آیات شامل تکلم الله تعالی در رتبه بالاتری قرار می‌گیرند.
۲. تنها مورد گفتگوی غیرخدا با خداوند متعال که طبق قواعد این پژوهش در بخش‌بندی مؤثر است، سوره حمد می‌باشد که در آن مخاطب الله تعالی است و خطابگر انسان است.
۳. جهت مطالعه بیشتر ضوابط اجرایی، به مقاله «مطالعه شواهد لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره مائده» مراجعه شود.
۴. حتی شاید بتوان گفت، از آنجاییکه در بند اول هر بخش طرح موضوع می‌شود، لذا مقدمه سوره، اولین بند سوره است و با توجه به اینکه نتیجه‌گیری موضوع هر بخش نیز در بند انتهایی آن بیان می‌شود، لذا آخرین بند سوره، مؤخره سوره است لیکن بخش محدود و وسیع‌تری است و دقت در کار بیش‌تر می‌شود، لذا اولین بخش را مقدمه و آخرین بخش را مؤخره سوره در نظر می‌گیریم.
۵. اولاً بدلیل واقع شدن در ابتدای سوره، قطعاً آغازگر بخش هستند، ثانیاً شناخت مشخصی از آنها در دست نیست.
۶. تعدادی از قواعد اولیه، از مقاله «نقش نشانه‌های لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سوره حجرات» و «مطالعه شواهد لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره مائده» اثر مولفان این پژوهش استخراج شده است.

کتاب‌نامه

قرآن کریم. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۳۵

آرام و لایقی، محمدرضا. «بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختار درختی». پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۳۹۵ ش: شماره ۱۹.

اسکولز، رابره و فرزانه طاهری. درآمدهای بر ساختارگرایی در ادبیات. تهران: آگه، ۱۳۹۷ ش.

اصلاحی، امین احسن. تدبر قرآن. لاهور: پاکستان، ۱۹۹۹ م.

العوی، سلوی محمد؛ ترجمه جلیلی، سید اکبر. روابط متنی در قرآن، ربط، پیوستگی و ساختار. تهران: نویسه پارسی، ۱۳۹۵ ش.

توکلی، محسن؛ ستوده نیا، محمدرضا؛ احمدی دارانی، علی اکبر. «بررسی ابعاد کارکردی، زیبایی شناختی و ادبی پاراگراف بندی متن قرآن کریم». فصلنامه علمی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳۹۹ ش: ۳۳ - ۶۳.

تیموری، محمد. ساختار تصویری سوره های قرآن کریم. تهران: سنجش و آموزش، ۱۳۹۹ ش.

تیموری، محمد، محمدرضا آرام، و سید محمد رضوی. «مطالعه شواهد لفظی در بخش بندی موضوعی سوره مائده». دو فصلنامه قیام، ۱۴۰۲.

تیموری، محمد، محمدرضا آرام، و سید محمد رضوی. «نقش نشانه های لفظی در بخش بندی موضوعی سوره های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سوره حجرات». پژوهشنامه قرآن و حدیث، ۱۴۰۲: ۳۳-۵۵.

تیموری، محمد؛ درزی، قاسم؛ برهانی، مصطفی. «پایان نامه تبیین نقش تصویرپردازی در کشف ساختار سوره های قرآن». تهران، ۱۳۹۸ ش.

حجتی زاده، راضیه. «تأثیر نقش نماهای گفتمانی «واو» و «فاء» در تحلیل معنی آیات قرآن». پژوهش های زبان شناختی قرآن، ۱۳۹۶ ش: ۱۴۱-۱۶۲.

حوی، سعید. الاساس فی التفسیر. قاهره: دارالسلام، ۱۴۱۲ ق.

خامه گر، محمد. تفسیر ساختاری قرآن کریم. قم: سبحان، ۱۴۰۱ ش.

خامه گر، محمد. «ساختار هندسی سوره های قرآن کریم». نسیم وحی، دی ۱۳۸۹ ش: شماره ۲۵.

دهقانی فارسانی، یونس. «ساختار سوره انشقاق». بلاغ نوین، ۱۳۸۷ ش: شماره ۱۴.

دیالمه، نیکو. «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات». مطالعات تفسیری بهار، ۱۳۹۲ ش: شماره ۱۳.

ذوقی، امیر. «نگره ای جدید در باره انسجام متنی سوره های قرآن». مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۹۲ ش: ۱۵۱-۱۷۵.

رایبسنون، نیل؛ ترجمه شاکر، محمدکاظم. «دستان باز قرائتی دوباره از سوره مائده». پژوهش های قرآنی، ۱۳۹۱ ش: ۱۵۶ - ۱۹۰.

رامیار، محمود. تاریخ قرآن. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۳ ش.

۳۶ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۳، پاییز ۱۴۰۲

- زارع زردینی، احمد. «بررسی نظم در سوره‌های قرآن: کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین». پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، ۱۳۹۵ ش: پاییز ۹۵ شماره ۱.
- زارع زردینی، احمد، کمال صحرائی اردکانی، و صدیقه جنتی فیروزآبادی. «ساختارشناسی سوره مبارکه فتح در پرتو بلاغت سامی با تأکید بر تقسیم قرآن به ۵۵۵ واحد موضوعی (رکوعات)». پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، ۱۴۰۰ ش: ۱-۱۸.
- زمانی، محمد حسین، و علی قانع اردکانی. «تقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن». قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۳۹۱ ش: ۵۷ - ۷۶.
- سرافرازی، عباسعلی. رابطه علم و دین. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۴ ش.
- سلطانی، علی اصغر. پاراگراف نویسی. قم: نشر لوگوس، ۱۳۹۶ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن، و سید مهدی حائری قزوینی. الاتقان فی علوم القرآن. تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۵ ش.
- شیرازی، معصومه؛ نیل ساز، نصرت؛ لسانی فشارکی، محمدعلی؛. «رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن سیر تحول تاریخی؛ ویژگی‌ها؛ زمینه‌ها». فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، بهار ۹۸ ش: ۱۶۷ - ۱۹۷.
- صفوی، سید سلمان. تفسیر ساختاری سوره بقره. تهران: سلمان آزاده، ۱۳۹۹.
- طباطبایی، محمد حسین. ترجمه المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ ش.
- طیب، سید محم تقی. «تحلیل کلام خدا». مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۹۷، ۱۳۷۹ ش: ۴۹ تا ۶۸.
- غروی، سعیده. «تفسیر ساختاری سوره «یس» با تأکید بر تفسیر المیزان». مطالعات تفسیری، بهار ۱۳۹۴ ش: سال ششم، شماره ۱۹.
- فرزانه، ظفرمند، و ایروانی نجفی مرتضی. «پایان نامه ساختارشناسی سوره حجر». مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری، ۱۳۹۸ ش.
- فعالی، محمد تقی؛. اعجاز قرآن کریم. تهران: علوم و تحقیقات، ۱۴۰۰ ش.
- قاضی زاده، کاظم. «وجه تناسب در واحد منسجم سوره». فصلنامه تخصصی تفسیر، علوم قرآن و حدیث: حسنا، ۱۳۹۵ ش: ۱۲۰.
- قطب، سید. فی ظلال القرآن. تهران: نشر احسان، ۱۳۹۳ ش.
- گنجه‌ای، جمال. سخن نو در تفسیر. سایت اینترنتی، تهران: مؤلف، ۱۴۰۱.
- لسانی فشارکی، محمدعلی؛ مرادی زنجانی، حسین؛. سوره شناسی (روش تحقیق ساختاری در قرآن کریم). قم: نصاب، ۱۳۹۴ ش.

گامی نو در ساختارشناسی سوره فتح (محمد تیموری و دیگران) ۳۷

مالمیر، تیمور، و حسین اسدی جوزانی. "ساختارشناسی مجموعه داستان هاویه." *متن پژوهی ادبی (زبان و ادبیات فارسی)*, ۱۳۹۰ش دوره ۱۵ شماره ۴۸: ۱۴۱ - ۱۷۱.

معرفت، محمد هادی، و جواد ترجمه ایروانی. *التفسیر الاثری الجامع*. قم: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، ۱۳۹۰ش.

مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم. "بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن." *فصلنامه پژوهش‌های قرآنی*, پاییز ۱۳۹۴ش: ۴-۳۷.

مؤدب، سیدرضا؛ *اعجاز قرآن*. تهران: مرکز نشر المصطفی، ۱۳۹۷ش.

موسوی همدانی، سید محمدباقر. *قرآن کریم*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.

ناظمیان، هومن. "پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر." *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*, ۱۳۹۲ش: ۱۱۶.

نساج، مریم و عباس اسماعیلی زاده. "بررسی ساختار سوره انسان و دسته بندی آیات آن." *فصلنامه کتاب قیام*, ۱۳۹۲ش: شماره ۳.